

پوپولیسم و سرخوردگی اجتماعی

مصاحبه خبرنگار هم میهن با دکتر غلامعباس توسلی

۱۲ تیر ۱۳۸۶

بابک مهدیزاده

* پوپولیسم در عرصه سیاسی ایران چه جایگاهی دارد؟

وقتی دموکراسی در جامعه‌ای مطرح می‌شود اما به ملزوماتی که دارد یعنی آگاهی مردم، ابراز شخصیت و ابراز نظر توجهی نمی‌شود، دموکراسی با پوپولیسم اشتباه گرفته شده و یکسان تلقی می‌شود.

* نقطه جدایی دموکراسی از پوپولیسم در کجاست؟

شما می‌توانید با تهییج احساسات، با استفاده از روش‌های غیر دموکراتیک و برانگیختن احساسات مذهبی یا ملی، آراء را به سمت خودتان جذب کنید در حالیکه ملزومات دموکراسی را هم رعایت نمی‌کنید. اما دموکراسی بر آرای تک‌تک افراد مبتنی است و مردم آگاهانه و با اطلاع کافی و با شفافیت، مطلب را تشخیص می‌دهند و با ابراز نظر کردن به نتیجه می‌رسند و نخبگان هم در این فرآیند شرکت دارند.

در ایران متأسفانه به خاطر سوابق طولانی استبداد و بعد هم اینکه در دوره‌هایی مردم سواد کافی پیدا نکردند و جمعیت شهرنشینی در ایران محدود بوده پوپولیسم گسترش یافت. حتی متأسفانه امروزه که میزان سواد توسعه پیدا کرده و جمعیت شهرنشین نیز افزایش یافته اما چون بستر دموکراسی به درستی فراهم نشده، جریان دموکراسی خود به خود و خیلی زود به سمت پوپولیسم کشیده می‌شود و این یک صدمه جبران ناپذیر برای دموکراسی و آزادهای فردی و اجتماعی است.

یک مسأله دیگر این است که دموکراسی در شرایطی به وجود می‌آید که در آن جامعه آزادی احزاب هست، آزادی اطلاعات هست، آزادی بیان هست و امکان گفت‌وگو و یک سویه قضاوت نکردن وجود دارد. خب اگر اینها فراهم نباشد خود به خود با مقداری ظاهرسازی و تحریک احساسات دموکراسی به سمت پوپولیسم کشیده می‌شود.

* یعنی در کشورهای پیشرفته که هم لوازم دموکراسی وجود دارد و هم سواد مردم بالا است نمی‌شود

شعارهای پوپولیستی داد؟

چرا. آنجا هم هست. مثل دوره هیتلر که یک دوره صد درصد پوپولیستی بوده. آن دوره دموکراسی در آلمان وجود داشت اما مردم با احساسات پیش می‌رفتند. تجربه‌های پوپولیستی در کشورهای دیگر هم بوده و نمی‌شود گفت در اروپا دموکراسی واقعی تحت همه شرایط فراهم بوده است.

اما تا حدود خیلی زیادی آزادی احزاب مختلف وجود دارد و همینطور آزادی مطبوعات، در نتیجه وقتی تصمیمی برای کشورشان گرفته می‌شود، تحت تأثیر عقل جمعی است.

* پس چرا در این کشورها که سطح آگاهی و آزادی بالا است پوپولیسم امکان ظهور دارد؟

به هر حال در سیاست این مسایل وجود دارد. چون مسأله قدرت، افراد و گروه‌های خاصی را وادار می‌کند که به هر قیمتی قدرت را به دست بیاورند اما اگر مطبوعات وسیعی داشته باشید و اگر افراد به این رسیده باشند که منافع ملی‌شان را بر منافع گروهی‌شان ترجیح دهند اثر رفتارهای پوپولیستی کاهش پیدا می‌کند. ولی اگر افراد به دنبال منافع شخصی و قدرت باشند هر جامعه‌ای به سمت پوپولیسم کشیده می‌شود.

* ایراد پوپولیسم در چیست؟ مگر نه اینکه عده زیادی با شنیدن شعارهای پوپولیستی و رفتارهای اینچنینی راضی می‌شوند؟

اشکالش این است که در پوپولیسم چه یک نفر و چه کل جامعه یک رأی دارد. اصلاً تضاد و تفاوت اندیشه بر ملا نمی‌شود و بعد اگر یک اشتباه بزرگ انجام شود چون همه مطیع هستند و به یک سمت حرکت می‌کنند، آن اشتباه هیچ وقت برطرف نمی‌شود. اما در دموکراسی چالش و بحث وجود دارد و نظرهای متفاوت مطرح می‌شود.

* در ایران کدام جریان‌ها رفتارهای پوپولیستی دارند؟

به طور کلی کسانی که می‌خواهند از احساسات مذهبی توده‌ها استفاده کنند در راه پوپولیسم گام برداشته‌اند.

* آیا نیروهای دموکراسی خواه کشور هم شعارهای پوپولیستی می‌دهند؟

بعضاً بله. به هر حال می‌شود در لفافه هر شعاری، رگه‌های پوپولیسم را دید. اگر قرار باشد آرای مردم در به قدرت رفتن افراد تأثیر داشته باشد آنها بعضاً به این روش متوسل می‌شوند.

* آیا نمونه‌هایی در هر دو جریان سراغ دارید که رفتارها و شعارهایشان پوپولیستی بوده؟

تا به حال اکثر اتفاقاتی که افتاده حالت پوپولیستی داشته و نخبگان در این تصمیم‌گیری‌ها تأثیر خیلی محدودی داشتند.

* حتی در دولت اصلاحات؟

این دولت در مقابله با جریانی که داشت عمق پیدا می‌کرد، قرار گرفت و یک فکر تازه‌ای مطرح کرد که بیشتر بر بنیاد دموکراسی بود. حال اینکه تا چه اندازه‌ای در اجرای شعارهایش موفق شد موضوع بحث نیست اما در هر صورت شاهد بودیم که در یک دوره‌ای آزادی‌های بیشتری به وجود آورد و بحث‌های بیشتری در گرفت. مثلاً در آن زمان بحث‌های مختلفی در روزنامه‌ها می‌شد و بسیاری در این بحث‌ها مشارکت می‌کردند و به همدیگر پاسخ می‌دادند اما الان اینگونه نیست و کمتر در قید این هستند که از روشنفکران و صاحب‌نظران نظر بخواهند.

* یعنی دولت اصلاحات شعارهای پوپولیستی نمی‌داد؟
چرا می‌داد. اما خیلی کمتر از دوره فعلی است.

* کدام شعارها جنبه پوپولیستی داشت؟
مثلاً شعار آزادی همگان، ایران برای همه ایرانیان و مواردی از این دست.

* و در دولت جدید کدام شعارها؟
نمی‌گویم اکثر شعارهایش اما تجربه نشان داده که روش‌هایی که این دولت درپیش گرفته در درازمدت نتیجه نخواهد داد. ممکن است برخی اوقات در کوتاه مدت نتایجی داشته باشد و مسأله‌ای حل شود اما در درازمدت حتماً به مشکلاتی برمی‌خورد.

* با این اوصاف آیا می‌توان گفت که از نشانه‌های پوپولیسم کارشناسی نبودن شعارها و برنامه‌هاست؟
بله. بدون مباحث کارشناسی و بدون بحث و اظهار نظر آزادانه پوپولیسم به وجود می‌آید.

* وقتی شعارهای پوپولیستی داده می‌شود عامه مردم آن اوایل اظهار رضایت می‌کنند اما آیا در درازمدت هم این احساس رضایت باقی می‌ماند؟

نه، شاید برخی اوقات پوپولیست‌ها شانس بیاورند اما در اکثر موارد خود مردم هم پشیمان می‌شوند.

* این پشیمانی چه تبعاتی دارد؟

تبعاتش سرخوردگی جامعه است، عدم حفظ منافع عمومی است. اینگونه است که جامعه سال‌ها دور خودش می‌چرخد و نمی‌تواند پیشرفت کند و یک دور باطل را طی می‌کند.